

## ۲۶. زهره و ادعاهای فریبنده او

زهره در ادعاهای خود می گفت که خداوند در دادن شریعت و مقرر داشتن اطاعت از مخلوقات خود بی انصافی می نماید بنابراین لازم بود که همه از عدالت خداوند و قدوسیت احکام وی مطمئن شوند تا بالاخره نتیجه کار و ادعای زهره دلیل کافی برای تمام کائنات گردد. حتی پس از این که مقاصد زهره در فردوس خداوند فاش شد خداوند او را نابود نکرد مبدا سایر مخلوقات خدا را از روی ترس و وحشت خدمت و پرستش کنند، و نه از روی محبت. اگر خداوند زهره را در آن موقع از بین برده بود تأثیر فریب دهنده ای بجا می گذاشت و روح انقلاب دوباره سربلند می کرد. شرارت در کائنات می باید رشد کند تا حیلۀ زهره بقدری آشکار و واضح گردد که دیگر احدی میل به پیروی از او را نداشته باشد و ادعای بی انصافی نسبت بخداوند هرگز ذکر نشود بلکه تا همه از عدالت و فیض پروردگار و ابدیت و انصاف شریعت وی مطمئن بودند.

انقلاب زهره بنا بود اندرزی برای تمامی کائنات و دلیل دائمی بر نتیجه وخیم گناه و تخلف باشد. وقتی که مردم دستورهای خداوند و خالقیت او را تحقیر کرده خود سرانه و شهوت پرستانه زندگی میکنند اعمالشان نشانه پیروی از شیطان می باشد و نشان میدهد که مردم در چه حالتی بسر می برند. مردم باید بفهمند که شریعت خدا برای حفاظت و مساعدت و پیشرفت واقعی بشر می باشد - تا از گناه و

زجر تخلف باز داشته شوند. انقلاب زهره بدین ترتیب در فردوس اوج گرفت تا خود زهره به شیطان تبدیل شد. او با همدستانش از آسمان اخراج شده در ابتدای خلقت کره زمین در این دنیا محدود شد و نفرین خداوند را با حضرت آدم و حوا و نوادگان‌شان بدوش گرفت.

در آخرین قسمت کتاب مقدس نبی از خداوند الهام یافته فرمود: «در آسمان جنگی برپا شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها و فرشتگان او جنگیدند. اژدها شکست خورد و دیگر در آسمان جایی برای او و فرشتگانش نبود پس آن اژدهای بزرگ از آسمان به زیر انداخته شد، آن مار قدیمی که کلیه جهان را گمراه می کند و نامش ابلیس و شیطان است با فرشتگانش به زمین افکنده شدند.» (مکاشفه ۱۲: ۷-۹).

تا به امروز روح انقلاب شیطان در مردم دیده می شود. مردم خیال میکنند که با تخلف از شریعت آزادی بیشتری را حاصل خواهند کرد. ملامت کردن آنان نسبت به شریعت روح تنفر و دشمنی را در باطنشان ایجاد می کند و بجای اینکه التماس و دعوت‌های فرستاده های خداوند را بپذیرند مشربین را مقصر دانسته آنان را سرزنش کرده دشنام میدهند.

این وضع ملزوم نجات دهنده ای میباشد. در مقابل چنین روحیه بشری ملاحظه کنید که خصائل خداوند قادر چگونه شرح شده است: «و خداوند پیش روی وی عبور کرده ندا در داد که یهوه یهوه خدای رحیم و رؤوف و دیرخشم و کثیرالاحسان و وفا، نگاه دارنده رحمت برای هزاران و آمرزنده خطا و عصیان و گناه

لکن گناه را هرگز بی سزا نخواهد گذاشت.» (خروج ۳۴:۷ و ۶).

در تبعید کردن شیطان از فردوس، خداوند عدالت خود را محکم و شرافت عرش خویش را محترم داشت. ولی وقتی که نوع بشر تحت نفوذ شیطان در آمد و مرتکب گناه گردید خدا محبت ازلی خود را در فرستادن نجات دهنده ای نشان داد. آمدن فردی برای انجام این وظیفه از ازل، حتی قبل از آفرینش جهان در نقشه خداوند گنجانیده شده بود.

باید گفت که وضع کنونی دنیا تا ابد ادامه نخواهد داشت. زهره که خود را شیطان گردانید بکیفر خود خواهد رسید. وقتی که خداوند عالم در داوری اجرائی از او بپرسد "چرا برعلیه من طغیان ورزیدی و مخلوقات مرا دزدیدی؟" بوجود آورنده گناه و بد بختی و زجر و ذلت بی جواب و دلیل خواهد ماند. هر دهانی بسته و جنود انقلاب بی زبان خواهند بود. آنوقت و فقط در آن زمان تخلف و گناه بانضمام زجر و درد و مرگ، بکلی نابود خواهد شد و ابدیت که با ورود گناه منقطع شده بود مجدداً ادامه خواهد یافت.

خداوند در آن موقع عدالت و محبت ازلی و بی انتهای خود را بثبوت خواهد رسانید. نبی میگوید که «مصیبت دفعه دیگر برپا نخواهد شد.» (ناحوم ۹:۱). مخلوق آزموده شده و ثابت شده دیگر هرگز از محبت ازلی و حکمت ابدی پروردگار موضوع برنامه بعدی «گناه انسان» خواهد بود.